

شیوه‌های نفوذ نظامی - امنیتی امریکا در عراق

جلال درخشه^۱ - امیر رضا جعفری هرنندی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۴)

چکیده

ایالات متحده امریکا با حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی تلاش داشت تا با مدیریت هوشمند منابع مختلف با قدرت به اهداف و منافع از پیش تعیین شده‌ی خود دست یابد؛ از این رو نفوذ در ساختارهای عراق از جمله برنامه‌های اصلی امریکا برای تأمین اهداف وی در این کشور عربی بود. این مقاله می‌کوشد تا چگونگی مدیریت امریکا بر منابع قدرت سخت در صحنه‌ی میدانی عراق بررسی کند. این نوشتار در پاسخ به این سؤال که ابعاد نفوذ سخت امریکا در عراق جدید چیست؟ به دنبال واکاوی ابزارها و شیوه‌های نفوذ سخت ایالات متحده در عراق جدید با تمرکز بر دوره خروج نیروهای نظامی امریکایی از عراق است. بررسی منابع کتابخانه‌ای و حوادث میدانی حاکی از آن است که امریکا با بهره‌گیری از معاهدات تسلیحاتی (با توجیه تلاش برای تقویت توان دفاعی عراق)، تجهیز مخالفان حکومت مرکزی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های امنیتی خصوصی و کمک گرفتن از مساعدت‌های مالی آنان به دنبال نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی عراق است تا بتواند از این طریق به منافع خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابد.

واژگان کلیدی: ایالات متحده امریکا، عراق، قدرت سخت، نفوذ

j.dorakhshah@yahoo.com

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

reza.jafari2@gmail.com

بیان مسئله

با وجود تحولات علمی و تکنولوژیکی و نیز اهمیت یافتن افکار عمومی در عرصه جهانی که منجر به ایجاد تغییر در منابع قدرت و شیوه‌های اعمال آن می‌شود، همچنان استفاده از قدرت سخت برای اعمال اراده از شیوه‌های مرسوم و کاربردی محسوب می‌شود. حوادث اوکراین و درگیری‌های کریمه و نیز پیدایش و گسترش جریان‌های تکفیری در سال‌های اخیر شاهدهی بر این مدعاست. در این میان بررسی بودجه‌ی نظامی کشورهای قدرتمند حکایت از آن دارد که آن‌ها با درک واقع‌بینانه از وضعیت موجود جهانی جهت اعمال فشار و نفوذ در دیگر کشورها همچنان به تقویت منابع قدرت سخت خود می‌پردازند.

یکی از نمونه‌های قابل توجه استفاده از این جنبه قدرت، تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی است. در این سال ایالات متحده با حمله به عراق تلاش همه‌جانبه‌ای را برای استفاده از منابع قدرت جهت مسلط شدن بر عراق معطوف کرد. در این میان از جمله حوزه‌های مورد چالش آمریکا در عراق نفوذ و تسلط بر بخش نظامی - امنیتی این کشور بود. ایالات متحده آمریکا برای تأمین اهداف خود در عراق از جمله تأمین منابع انرژی و تأمین امنیت انتقال آن، مهار جمهوری اسلامی ایران و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی از تهدیدات موجود، از ابزارهای نظامی و امنیتی برای نفوذ در ساختارها و لایه‌های نظامی عراق استفاده کرد. آنچه در این مقاله کانون توجه است بررسی شیوه‌ها و ابزارهای نظامی - امنیتی آمریکا برای نفوذ در عراق با تأکید بر خروج نظامی از این کشور است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

کشور عراق و بررسی مؤلفه‌های قدرت آن از ابعاد مختلف برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است؛ این کشور ضمن داشتن مرزهای طولانی خشکی و آبی با ایران، از منظر مذهبی؛ تاریخی و فرهنگی نیز مشترکات فراوانی با جمهوری اسلامی ایران دارد. لذا از نظر راهبردی هرگونه تغییر در مؤلفه‌های قدرت آن، به ویژه نفوذ بیگانگان در آن به طور مستقیم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این با در نظر گرفتن ظرفیت‌های بالقوه‌ای که عراق دارد، لزوم برقراری ارتباط هر چه بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان عرب، این کشور می‌تواند به عنوان دروازه‌ی ورود ایران به جهان عرب قرار گیرد. با رویکردی استراتژیک به وضعیت منطقه‌ای و جهانی و با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی، تلاش برای حفظ عراق و مقابله با از دست رفتن فرصت استفاده از ظرفیت این کشور و

تبدیل شدن آن به تهدید، اهمیت این کشور بیش از پیش برای دستگاه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی نمایان می‌شود. در حالی که عراق اهمیت زیادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد؛ ویژگی‌های متمایز این کشور سبب شده تا برای قدرت‌های جهانی نیز مهم و اثرگذار تلقی شود. همین اهمیت عامل اصلی هجوم نظامی کشورهای ائتلاف، به رهبری ایالات متحده‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی بود. آمریکا پس از اشغال نظامی عراق به سرعت تلاش خود را مبنی بر ایجاد تغییرات اساسی که از آن به عنوان نفوذ تعبیر می‌شود در ساختارهای مختلف سیاسی، نظامی - امنیتی؛ اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی این کشور آغاز کرد.

پرسش تحقیق

پرسش این است که: ایالات متحده‌ی آمریکا پس از خروج نیروهای نظامی‌اش از عراق برای حفظ نفوذ خود از چه ابزارهای سختی بهره می‌برد؟ این مقاله می‌کوشد شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ سخت آمریکا در عراق پس از خروج نیروهای نظامی از این کشور بررسی کند. فرضیه تحقیق: ایالات متحده آمریکا با کنترل منابع سخت و نرم قدرت به دنبال تأمین اهداف خود در عراق است. حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق جبهه‌ی وسیعی را در مقابل دولت مردان آمریکایی گشود تا از طریق آن بتوانند اهداف خود را در این منطقه دنبال نمایند. ایالات متحده‌ی آمریکا با بهره‌گیری از فرصت‌های نظامی - امنیتی ایجاد شده در عراق تلاش کرد تا نفوذ خود را در این منطقه گسترش داده و پایه‌های نفوذ خود را مستحکم نماید. نیروهای اشغالگر پس از تعیین جدول زمان‌بندی خروج از عراق نیز خط نفوذ نظامی - امنیتی خود را با انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی و راهبردی ادامه دادند.

پیشینه تحقیق

مکتوبات موجود در حوزه موضوع مقاله بیش از آنکه نگاهی راهبردی به وضعیت نفوذ سخت آمریکا در عراق داشته باشند، بیشتر با ادبیاتی توصیفی و منتقدانه در میزان هزینه‌های سخت آمریکا در عراق و پیامدهای آن نگاشته می‌شود. این در حالی است که تلاش نویسندگان در این مقاله ارائه تصویری روشن از ابزارها و شیوه‌های نفوذ ایالات متحده در عراق و چگونگی مدیریت منابع سخت از سوی آمریکا برای مداخله در ساختار نظامی - امنیتی عراق است.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌های لازم برای چنین تحلیلی از میان منابع کتابخانه‌ای و اسنادی سعی خواهد شد جمع‌آوری شود و استنتاج بر روی آن به شکل منطقی صورت گیرد.

با توجه به اهمیت قدرت سخت و جایگاه آن در فعالیت‌های امریکا برای نفوذ در ساختارهای نظامی-امنیتی عراق ابتدا به ارائه‌ی تعریف شاخصه‌های این نوع از قدرت پرداخته می‌شود و سپس به صورت مختصر با در نظر گرفتن توافق‌نامه‌های امنیتی و راهبردی به عنوان نقطه‌ی عطف فعالیت‌های امریکا در اشغال کردن عراق، شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ نظامی-امنیتی ایالات متحده در عراق مورد بررسی قرار گرفته و در پایان ضمن بهره‌گیری از این شیوه‌ها به ارزیابی و چستی اهداف آمریکا اشاره می‌شود.

قدرت سخت

رویکرد سنتی مربوط به تحلیل قدرت، متکی بر عناصر ملی است که میزان قدرت کشورها را برحسب عواملی چون جمعیت؛ سرزمین؛ رفاه مادی؛ نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می‌کند. این تعریف مبتنی بر درک مکتب واقع‌گرایی است که به اجبار و عوامل مادی، از جمله قدرت نظامی اهمیت فراوانی می‌دهد (Baldwin, 2003:182).

قدرت سخت ناظر بر قدرت و توان نظامی است. بنابراین «خشونت» عنصر اساسی آن است. این نوع قدرت، «قهری»؛ «اجبارآمیز»؛ عینی است و اقدام‌های مبتنی بر آن متکی به روش‌های فیزیکی همراه با رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار و نیز حذف دفعی است. حوزه‌ی نفوذ^۱ آن امنیتی-نظامی است و به طور معمول زمانی موضوعیت می‌یابد که استقلال کشوری در خطر (بالفعل و بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر یا گروه‌های معارض مسلح داخلی قرار می‌گیرد (هنزاه‌ای و باوریان، ۱۳۹۳: ۷۵). ویژگی بارز قدرت سخت، تحمیل آن به «آمریت» است که مطابق آن، فرد تحت قدرت به اطاعت واداشته می‌شود؛ به همین خاطر است که امکان تولید و اعمال قدرت در صورتی متصور است که بین اعمال قدرت و محیط، تفکیک است. سازمان‌های قدرت با ساختار هرمی شکل می‌گیرند که در آن، «سازمان رسمی» در بالا، «موضوع قدرت» در پایین و «محمل قدرت» در میانه قرار دارد. البته جوزف نای در کتاب

1. Influence

همانگونه که نفوذ به معنای وجود ظرفیت لازم برای اثرگذاری بر شخصیت، فرآیند توسعه و یا رفتار کسی یا چیزی تعریف می‌شود، در این مقاله نیز همین معنا از نفوذ مدنظر قرار می‌گیرد (Oxford Dictionary).

قدرت نرم معتقد است که استفاده از زور برای دولت‌های بزرگ جدید نسبت به سده‌های قبل هزینه بیشتری دارد (نای، ۱۳۸۲: ۳۶۸).

برخی از نظریه‌پردازان حامی استفاده از قدرت سخت مدعی می‌شوند که برتری نظامی غرب، شکایت‌ها و عدم اعتماد متحدان، خود وضعیت مطلوبی را در تمامی ابعاد نظام سیاسی برای آن‌ها جهت نیل به اهداف و مقاصد سیاسی‌شان به وجود می‌آورند (رفیع و قریبی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

قدرت سخت مفهومی آشنا در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است؛ مؤلفه‌های مادی همچون توانایی نظامی، تسلیحاتی و مالی باعث گسترش حوزه‌ی قدرت سخت می‌شود. برای مثال مورگنتا در کتاب «سیاست میان ملت‌ها» قدرت نظامی و سخت افزاران را راهی برای «توازن قوا» می‌داند (عبدالله و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۹۳). اما در مجموع شاید بتوان تعریف زیر از قدرت سخت را تعریفی جامع دانست: «توانایی تغییر رفتار دیگران از طریق اجبار و تهدید به گونه‌ای که مطلوب ما باشد». در این شیوه بایستی از سرمایه‌های قدرت به گونه‌ای استفاده شود که موارد زیر تحقق یابد:

۱. اجبار؛ بازداشتن یا کسی را به انجام کاری از طریق فیزیکی واداشتن؛ در اینجا اراده‌ی طرف مقابل دخیل نیست و ما با قدرت اجبار فیزیکی در رفتار او تغییر ایجاد می‌کنیم. این منبع قدرت مطلق است، چراکه طرف مقابل می‌تواند تمکین نکند و آماده مخاطرات احتمالی از جمله مرگ باشد. این مورد در جایی مناسب است که احتمال عدم موفقیت وجود ندارد. مشکل اصلی این نوع استفاده از قدرت سخت در پرهزینه بودن؛ زودگذر بودن و دقیق نبود آن است. گرچه می‌توان مشکل زودگذر بودن را با استفاده‌های مکرر از این شیوه برطرف کرد اما دقیق نبودن و هزینه‌بر بودن آن موجب تحلیل تدریجی این منبع قدرت می‌شود (محمدی، ۱۳۹۱: ۴۹).

۲. تهدید: دیگران را برای تغییر در گزینه‌های مورد انتخاب‌شان بازداشتن. این قدرت می‌تواند تهدید به آسیب رساندن به طرف مقابل باشد یا حتی تهدید به بازداشتن او از رسیدن به هدفی که در پی تحقق آن‌هاست. از آن جایی که اصول این نوع اقدامات از سوی طرف مقابل اقدامی خصمانه تلقی می‌شوند، لزوم استفاده از این قدرت منجر به برانگیختن مقاومت و در نتیجه افزایش هزینه‌هاست (محمدی، ۱۳۹۱: ۵۰).

۳. ترس: منبع سوم قدرت سخت آنجایی است که هیچ‌گونه اجبار فیزیکی یا تهدید آشکار صورت نمی‌گیرد، بلکه پیامدهای انتخاب هر یک از گزینه‌های موجود برای طرف مقابل تشریح و چنین واگرد می‌شود که این پیامد از پیامدهای طبیعی عمل او هستند و واکنش خصمانه به اقدامات او نمی‌باشند. نوعی ترس ایجاد می‌شود که منشأ آن، به طور مستقیم طرف

اعمال کننده قدرت نیست. این قدرت نیاز به میزانی از اعتماد دارد؛ بنابراین بسیار متکی به کنش‌های گذشته دو طرف است.

۴. طمع: این منبع قدرت مبتنی بر مدیریت خواسته‌های طرف مقابل است. به این صورت که طرف مقابل ممکن است همکاری و انجام هیچ یک از کنش‌های مورد نظر ما را مشروع نداند اما برای رسیدن به هدفی خاص و یا پاداشی مهم، خود را مجبور به انجام خواسته ما می‌داند (آشنا، ۱۳۹۰: ۱۱).

قدرت سخت به معنای توانایی اعمال اراده و تأمین خواسته‌ها از طریق منابع فیزیکی، عینی «سخت افزارانه» و همراه با اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز و اجبار است. قدرت سخت یکی از جنبه‌های توانایی قدرت ملی، برای دستیابی به اهداف از طریق تأثیرگذاری بر دیگران است. به باور جوزف نای، قدرت اقتصادی و نظامی به مثابه قدرت سخت می‌تواند دیگران را به تعبیر مواضع خود سوق دهند. این نوع قدرت بر پاداش (هویج و یا چماق) مبتنی است؛ بنابراین هرگاه نتایج دلخواه؛ تهدید و یا پاداش محسوس و مستقیم کسب شود، قدرت سخت به کار رفته است (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). قدرت سخت جنبه سنتی قدرت است که همان توانایی اقتصادی و نظامی است؛ به عبارتی این بخش از قدرت تا قبل از جنگ جهانی اول، تواناترین و برترین ابزار تلقی می‌شد (شفیعی و پهلوانی، ۱۳۹۰: ۴۲۲).

قدرت سخت عبارت است از «مجموعه‌ای از ابزارآلات نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنایی که هر کشوری برای اجرای سیاست‌های خارجی خود بر آن‌ها اتکا می‌کند». مجموعه‌ی تسلیحات نظامی، زیرساخت‌های صنعتی-نظامی؛ تعداد و کیفیت نیروهای نظامی که کشور را قدرتمند می‌سازد. البته عواملی چون نوع سرزمین؛ تعداد جمعیت؛ ترکیب جمعیت و ژئوپلیتیک و برخی عوامل دیگر نیز به قدرت سخت کمک می‌کنند. به عبارتی دیگر، قدرت سخت همان توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به وسیله اعمال زور برای کسب نتیجه دلخواه است. تغییر در رفتار دیگران از طریق اجبار؛ تهدید و حتی تطمیع در این چارچوب قابل ارزیابی است. استفاده از این ابزار چنانچه با زمینه‌سازی مناسب صورت نگیرد به تغییر افکار عمومی از اعمال کننده قدرت منجر می‌شود.

مثال‌های قدرت سخت عبارت‌اند از: جنگ‌افزار و نیروی انسانی؛ آتش افکنی و درگیری نظامی؛ اعمال زور و تصرف؛ تحمیل اراده و تغییر نظام سیاسی از راه قیام یا کودتا.

با این رویکرد و با در نظر گرفتن جایگاه و اهمیت قدرت سخت در عصر حاضر به بررسی فعالیت‌های آمریکا در عراق پس از خروج نیروهای نظامی از این کشور که مبتنی بر اجبار؛

تهدید؛ ترس و تطمیع بوده می‌پردازیم. بر این اساس با توجه به اهمیت توافق‌نامه نظامی (خروج) میان آمریکا و عراق که موجب مشروعیت بخشی به مداخلات نظامی - امنیتی این کشور در عراق شد، به صورت مختصر در ابتدا نگاهی به چگونگی حضور نظامی ایالات متحده در عراق داشته و جایگاه توافق‌نامه‌ی امنیتی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

آغاز حضور نظامی ایالات متحده در عراق

تاریخ سیاسی - اجتماعی عراق گویای مداخلات آمریکا در این کشور خاورمیانه‌ای است. سرکوب انتفاضه شعبانیه شیعیان عراق در سال ۱۹۹۱، تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، عملیات روباه صحرا در سال ۱۹۹۸، تلاش برای گردهمایی معارضین حزب بعث و در نهایت حمله‌ی نظامی به این کشور در سال ۲۰۰۳ بخشی از مداخلات آمریکا در عراق محسوب می‌شود.

ایالات متحده آمریکا در مارس ۲۰۰۳ با حمله نظامی به عراق و برای دستیابی به اهداف مشخص توانست این کشور را به اشغال خود در آورد. پیروزی زود هنگام آمریکا در صحنه نظامی در میدان عراق سبب شد تا امریکایی‌ها برنامه‌های خود را در عراق به سرعت اجرا کنند. از این رو از ابتدای اشغال‌گری شاهد حضور چشم‌گیر شرکت‌ها و مؤسسات مختلف امریکایی و بین‌المللی در عراق با هدف دستیابی به منابع این کشور و نیز نفوذ در ساختارهای مختلف آن هستیم. به علت عدم شناخت دقیق جامعه عراق و وجود معضلات داخلی در آمریکا، دولتمردان این کشور در باتلاق عراق سخت گرفتار شدند. عدم کشف سلاح‌های کشتار جمعی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در قبال پرونده‌ی عراق، نفرت عمومی و بی‌اعتباری گسترده را برای آن به دنبال داشت. وجود عناصر بعثی در ارتش و انجام اقدامات تروریستی مختلف، بیانگر ناکامی آمریکا در تأمین امنیت عراق بود. در این میان نقش پررنگ مرجعیت شیعه و عدم سلطه‌پذیری مردم عراق و نیز بحران اقتصادی که مانع جدی برای انجام هزینه‌های گزاف در عراق شده بود، تکمیل‌کننده پازل شکست راهبردی آمریکا در عراق تلقی می‌شود. سلسله این عوامل موجب شد تا آمریکا برای خلاصی از این وضعیت و نیز تأمین نسبی اهداف خود در عراق به امضای توافق‌نامه‌های امنیتی و راهبردی روی آورد. در این میان گرچه توافق‌نامه امنیتی بغداد - واشنگتن برنامه‌ای برای خروج نیروهای نظامی متجاوز به عراق محسوب می‌شد اما روی دیگر آن قانونی کردن مداخلات نظامی - امنیتی ایالات متحده در عراق بود. چه اینکه طی این توافق‌نامه نیروهای امریکایی ملزم به تجهیز تسلیحاتی و ارائه آموزش‌های لازم به ارتش عراق باهدف

بهبود وضعیت امنیتی در این کشور بودند اما با این بهانه آن‌ها توانستند در سطوح مختلف نظامی - امنیتی عراق نفوذ کرده و بدون آنکه ارتش قوی و دستگاه اطلاعاتی قدرتمندی برای این کشور ایجاد کنند، بهره خود را از نفوذ در آن بردند.

از دیگر مسائلی که باعث شد تا آمریکا این توافق‌نامه را به عراق تحمیل کند مسئله نفت و خطر حضور ایران در عراق است. به نظر می‌رسد این توافق‌نامه برای یک خروج آبرومندانه امضا شد. کشته شدن ۴۵۰۰ نظامی امریکایی در عراق و مخارج بالای این اشغال، شکست آمریکا در عراق را تأیید می‌کند. در کنار امضای «توافق‌نامه امنیتی» توافق‌نامه دیگری به نام «توافق‌نامه راهبردی» بین دو کشور امضا شد که اهمیت تقویت امنیت مشترک، مشارکت در برقراری ثبات و صلح بین‌المللی، مبارزه با تروریسم در عراق، همکاری در زمینه امنیتی و دفاعی تأکید می‌نماید (امیر عبداللهیان، ۱۳۸۸: ۵۵). این توافق‌نامه علاوه بر ترسیم همکاری‌های دو کشور در حوزه نظامی و امنیتی، چگونگی خروج نیروهای امریکایی از عراق را نیز مشخص می‌نماید. به عنوان مثال ماده چهارم از این توافق‌نامه در بندهای اول و چهارم به همکاری دفاعی آمریکا به ارتش عراق و آموزش نیروهای عراقی برای دفاع از کشورشان و انجام عملیات علیه نیروهای تروریستی اشاره دارد (3: 2008, SOFA¹). علاوه بر توافق‌نامه امنیتی، انعقاد توافق‌نامه استراتژیک میان عراق و آمریکا که ترسیم‌کننده روابط آتی دو کشور در تمامی حوزه‌ها است، بر مشروعیت مداخلات و نفوذ آمریکا در عراق افزوده است. بند سوم توافق‌نامه استراتژیک با اشاره به همکاری‌های دفاعی و امنیتی میان دو کشور بیان می‌شود. «طرفین - جمهوری عراق و آمریکا - باهدف استقرار ثبات و امنیت در عراق و تقویت و پشتیبانی از قدرت عراق در دفع تمامی تهدیداتی که حاکمیت، امنیت و حفظ سرزمینی عراق را هدف می‌داند، همکاری‌های گسترده و عمیق دفاعی - امنیتی را با حفظ حاکمیت سرزمینی عراق به آن توجه می‌کند. این همکاری در دو بخش امنیتی و دفاعی بر اساس معاهده‌نامه امنیتی میان دو کشور است که عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از عراق و تنظیم فعالیت‌هایشان در زمان حضور موقت در عراق را در بردارد» (3: 2008, Strategic Framework Agreement).

اقدامات نظامی - امنیتی آمریکا در عراق

بررسی‌های صورت گرفته در چگونگی نفوذ دفاعی و امنیتی ایالات متحده در عراق حاکی از آن است که حمایت‌های مالی برای بازسازی ارتش از طریق ایجاد صندوق‌های گوناگون،

1. Agreement Between the United States of America and the Republic of Iraq on the Withdrawal of United States Forces from Iraq and the Organization of Their Activities During their Temporary Presence in Iraq.

آموزش نیروهای نظامی و فروش تسلیحات به این کشور و تلاش برای بازسازی نیروی زمینی؛ دریایی و هوایی عراق، استفاده از شرکت‌های امنیتی خصوصی و مبارزه با تروریسم مهم‌ترین محورهای نفوذ آمریکا در بخش‌های دفاعی و امنیتی عراق است.

صندوق امداد و بازسازی عراق

در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده صندوق امداد و بازسازی عراق (IRRF)^۱ را به منظور توسعه‌ی ظرفیت‌ها برای تأمین امنیت کشور با وظیفه ایجاد یک کمپین برای برطرف کردن شورش‌ها ایجاد کرد. ایده‌ی اولیه «IRRF» مانند طرح قرن ۲۱ مارشال بود و ترکیبی از کمک‌های اقتصادی به همراه تغییر رژیم در جهت تسهیل یک حکومت دمکراتیک در عراق بود. بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده در سال ۲۰۱۱ توسط بازرسی کل در حوزه بازسازی عراق، «IRRF» خود به دو صندوق جداگانه تقسیم می‌شد: صندوق نخست در سال مالی (۲۰۰۳-۲۰۰۴) و صندوق دوم در سال مالی (۲۰۰۵-۲۰۰۶) ایجاد شد.

این دو صندوق دارای اهداف امنیتی؛ اقتصادی و سیاسی بودند و سرمایه آن‌ها تا سال ۲۰۰۹ که کار صندوق به پایان رسید، به طور تقریبی ۱۴ میلیارد دلار بود که توسط وزارت دفاع به منظور اجرای ابتکارات آموزشی و تجهیزاتی در بخش امنیتی اختصاص یافته بود. برنامه‌هایی که توسط این صندوق حمایت مالی می‌شدند به طور مستقیم مسئول آموزش ۱۰ لشکر ارتش عراق در سال‌های پس از حمله آمریکا به عراق بودند و هدف از آن فراهم آوردن ظرفیت مرزداری در نیروهای امنیتی (Claypool, 2014: 1) عراق و تأمین استقلال امنیتی ایالات متحده و دیگر بازیگران خارجی در عراق بود.

اطلاعات مندرج در جدول شماره یک بیانگر میزان بودجه اختصاص یافته به هر یک از حوزه‌هایی است که این صندوق در عراق سرمایه‌گذاری کرده است.

جدول شماره ۱- میزان بودجه مختص به صندوق امداد و بازسازی عراق به تفکیک

صندوق امداد و بازسازی عراق (IRRF)	
بخش	مقدار (برحسب میلیون دلار)
قراردادهای مدیریت پروژه نظامی	
مدیریت پروژه	۲۲
کارهای عمومی / آب	۲۹

۴۳	برق
۹	ارتباطات / حمل و نقل
۱۱	ساختمان و سلامت
۹	امنیت و عدالت
۸	نفت
قراردادهای بازسازی ارتش / طراحی PMO / ساخت	
۶۰۰	کارهای عمومی / آب- منابع آبی
۶۰۰	کارهای عمومی / آب شمال
۵۰۰	کارهای عمومی / آب جنوب
۵۰۰	تولید انرژی برق
۵۰۰	انتقال و توزیع برق شمال
۵۰۰	انتقال و توزیع برق شمال
۹۰۰	امنیت، عدالت و ایمنی
۳۲۵	حمل و نقل
۷۵	ارتباطات
۵۰۰	ساختمان، مسکن و سلامت
مرکز نیروی هوایی برای برتری محیط زیستی - قراردادهای پایه‌های نظامی عراق	
۱۶	امکانات نیروهای ارتش عراق
۳۲	امکانات نیروهای ارتش عراق
۷۶	امکانات نیروهای ارتش عراق
۱۰۰	امکانات نیروهای ارتش عراق
۲۰	امکانات نیروهای ارتش عراق

(http://www.whitehouse.gov/sites/default/files/omb/legislative/2207_appx3.pdf)

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره یک، بخشی از نفوذ سخت ایالات متحده آمریکا در قالب ارائه کمک‌های مالی به بخش نظامی - امنیتی عراق باهدف ظاهری، بهبود ساختارهای موجود در این حوزه است. واقعیت‌های میدانی از بی‌ثمر بودن این کمک‌ها است و هدف اصلی نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی عراق را روشن می‌سازد.

صندوق نیروهای امنیتی عراق؛ «ISFF»^۱ در سال ۲۰۰۵ برای حمایت از نیروهای امنیتی عراق تأسیس شد. این نیروها شامل ارتش عراق؛ نیروهای پلیس این کشور؛ عملیات ویژه و مرزبان می‌شود. این صندوق دربرگیرنده کلیه صندوق‌های ایالات متحده در زمینه آموزش؛ تجهیزات و برنامه‌های ضد تروریسم در عراق بین سال‌های (۲۰۰۵-۲۰۱۱) بود؛ و شامل سه زیرشاخه: بودجه‌ی عملیات واکنش سریع؛ حمایت از واحدهای رزمی و اقدامات قابل پیش‌بینی که به صورت مکرر اتفاق افتاده است. کمک‌های این صندوق شامل این موارد می‌گردد: حفاظت از نیروها؛ آموزش؛ تجهیز و حمایت‌های نگهداری از تجهیزات است (Iraq Security Forces Fund, 2014). به طور کلی در پاسخ به نابسامانی وضعیت امنیتی در عرصه میدانی این صندوق دارای سرمایه ۲۳ میلیارد دلار برای مدت ۶ سال بوده است.^۲

وزارت دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۰ به این نتیجه رسید درحالی که رشد پایداری در حوزه‌ی ظرفیت‌ها و ظرفیت‌سازی و حرفه‌ای‌گری در نیروهای عراقی وجود دارد اما آن‌ها هنوز به نیروهای امنیتی امریکایی برای حمایت از نیروهای خود نیازمند هستند. این مسئله نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی عراق از نظر امریکایی‌ها هنوز هم ظرفیت این را ندارد که به طور مستقل امنیت عراق را آن‌چنان که امریکایی‌ها بر اساس یک طرح کاهشی مدنظر دارند، تأمین نمایند (Claypool, 2014: 2).

بر این اساس ایالات متحده با توجیه ارائه کمک‌های مالی نه تنها در پی تقویت توان دفاعی عراق نبوده بلکه نفوذ در ساختار دفاعی عراق را به عنوان یک هدف اصلی دنبال می‌کند و تاکنون به بهانه‌های مختلف باوجود ارائه کمک‌های مالی به بخش دفاعی عراق؛ اجازه استقلال عمل به نیروهای امنیتی عراق را نمی‌دهد؛ چراکه همان‌گونه که بیان شد هدف اصلی برای آمریکا، حفظ خط نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی عراق است.

آموزش نیروهای عراقی و فروش تسلیحات نظامی

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های نفوذ آمریکا در ساختار نظامی عراق، آموزش نیروهای نظامی و انتظامی عراق و نیز فروش تسلیحات به واحدهای مختلف نظامی این کشور است.

نقش ایالات متحده در سازماندهی ارتش عراق

طرح‌های اولیه آمریکا برای فروش تسلیحات شامل فروش تسلیحاتی به ارزش ۴ میلیارد و ۲ میلیون دلار به عراق است که مربوط به سلاح‌های نیروی زمینی می‌شد؛ اما

1. Iraq Security Forces Fund
2. Iraq, 2010: Measuring Stability and Security in 130.

این طرح‌ها بلا تکلیف مانده‌اند. ارتش عراق در سال‌های اخیر نسبت به ایجاد واحدهای نظامی با تسلیحات سنگین مدرن اقدام کرده است. در سه ماهه‌ی سوم سال ۲۰۱۰، عراق ۱۱ تانک ابرامز US M1 دریافت کرده که تا دسامبر ۲۰۱۱ بر این تعداد، ۱۲۹ تانک دیگر نیز اضافه می‌شود؛ این تجهیزات به دلیل آنکه ارتش عراق در دیگر تسلیحات توازنی نداشت، توان نظامی اندکی را ایجاد کرد (Mausner & Others, 2012: 12). از سوی دیگر طرح‌های اولیه امریکا برای فروش تسلیحات به نیروی زمینی ارتش عراق تاکنون بلا تکلیف مانده و عملی نشده. بر این اساس هدف امریکا از معاهدات تسلیحاتی با عراق تجهیز دفاعی این کشور نبوده و فقط به عنوان ابزاری برای نفوذ در لایه‌های نظامی - امنیتی عراق عمل می‌کند.

نقش ایالات متحده در سازماندهی نیروی هوایی عراق

یکی از کمک‌های مالی امنیتی امریکا به عراق به ارزش چهار میلیارد و دو میلیون دلار شامل: تجهیزات شناسایی؛ موشک‌های هوا به هوا «AIM-9» حساس به گرما شرکت «Raytheon» بمب‌های هدایت‌شونده لیزری و جنگنده‌های «F-16» شرکت «MartinLockheed» و همچنین موشک‌های ضد هوایی است. در ژوئن سال ۲۰۱۱، لشکر مهندسی ارتش امریکا حدود پنج میلیون وسی و هشت هزار دلار برای ساختن یک پایگاه هوایی در جنوب عراق هزینه کرد.

باید توجه داشت که اگر نیروی هوایی عراق در پی دریافت حمایت امریکا باشد، بیش از پیش به کمک‌های امریکا در آموزش نیروهایش وابسته می‌شود. گزارش ژوئیه ۲۰۱۱ اداره بازرسی ویژه کل در امور بازسازی عراق معتقد است حضور امریکا در عراق باید تا زمانی که نیروی هوایی عراق توسعه می‌یابد و سپر دفاع هوایی برای این کشور ایجاد می‌شود ادامه یابد (Mausner & Others, 2012: 12). این در حالی است که ارتش امریکا و دیگر مراجع ایالات متحده در زمان اشغال عراق و نیز پس از خروج نظامی از این کشور دائم بر مسئله‌ی عدم توانمندی نیروهای عراقی در حفظ امنیت این کشور تأکید می‌کردند؛ اما حقیقت آن است که این موضوع بهانه‌ای برای تداوم حضور نظامی با هدف نفوذ در ساختار دفاعی عراق است.

در ورای مساعدت‌های تسلیحاتی امریکا به عراق شاهد کارشکنی‌های سازمان‌یافته کنگره در مسیر تقویت توان دفاعی عراق هستیم. به عنوان مثال در ۱۲

دسامبر ۲۰۱۱، آژانس همکاری‌های دفاعی کنگره را در مورد احتمال فروش تسلیحات هوایی «F16IQ» و تجهیزات؛ قطعات؛ آموزش و حمایت لجستیکی مربوط به آن را به عراق به قیمت تخمینی دو میلیارد و سه میلیون دلار، در جریان قرار داد. این فروش تسلیحات همچنین شامل موشک‌های ضد هوایی؛ انواع موشک‌های هوا به زمین؛ بمب‌های هدایت‌شونده لیزری و تعدادی دیگر از تجهیزات که به نظر می‌رسد این برنامه فروش، بخشی از تمرکز آمریکا برافزایش ظرفیت‌های نیروی هوایی عراق باشد (Mausner & Others, 2012: 12). اما حقیقت که امروز و طی زمان روشن شده آن است که کنگره آمریکا با اقدامات از پیش طراحی شده مانع از دستیابی عراق به تسلیحات پیشرفته است. این امر خود مؤید تلاش آمریکا برای نفوذ در این کشور عربی با بهره‌گیری از منابع سخت قدرت است که در قالب توافق‌نامه‌های تسلیحاتی دنبال می‌کند. اما آنچه در این میان اهمیت دارد ذکر این نکته است که در اکثر این توافق‌نامه‌ها، تسلیحات مؤثر و پیشرفته کمتر به دست نیروهای عراقی می‌رسد و آمریکا به بهانه معاهدات تسلیحاتی فقط نفوذ خود را در عراق پیگیری می‌نماید.

نقش آمریکا در تشکیل نیروی دریایی امریکایی، بر رقابت ایران با این کشور نیز تأثیر می‌گذارد؛ حمایت برای تأمین امنیت جریان تجاری عراق و پیشگیری از تهدیدات خارجی، بسیار مهم است. تهدید ایران از نظر ایالات متحده برای جریان صادرات انرژی از خلیج فارس دلیل بسیار مهمی است که آمریکا همیشه دو گروه، حامل جت جنگنده «Aircraft Carrier» در خلیج فارس دارد.

در سال ۲۰۰۷، عراق ۱۲۰۰ افسر نیروی دریایی؛ ۲ اسکادران شناور و ۴ شرکت دریایی داشت. همچنین به این تعداد باید کشتی‌های حمایتی ساحلی؛ قایق‌ها و کشتی‌های گشتی و لنج‌ها را نیز افزود. در اکتبر ۲۰۱۰، نیروی دریایی عراق از اولین قایق‌های گشتی کلاس سوئیفت ساخت آمریکا را به ارزش ۱۵ تا ۲۰ میلیون دلار بهره‌برداری کرد و دو دستگاه دیگر را نیز در اوت ۲۰۱۱ دریافت کرد تا به این ترتیب ۵ فروند از ۱۲ فروند سفارشی تحویل داده شود. عراق همچنین دو کشتی حمایت ساحلی ساخت آمریکا را به ارزش ۷۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ تحویل گرفت. در ژوئیه ۲۰۱۱، اداره بازرسی ویژه کل در امور بازسازی عراق گزارش داد که: «نیروی دریایی عراق به ۳۶۰۰ نیروی فعال افزایش یافته است. یکی از طرح‌های اداره همکاری‌های امنیتی در عراق، طراحی ۱۰ مقر در بندر ام‌القصر به عنوان اولین پایگاه نیروی دریایی عراق بود» (Mausner & Others, 2012: 13).

همان‌گونه که امریکایی‌ها نیز بدان اذعان دارند: اقدامات ایالات متحده در تقویت توان دفاعی نیروی دریایی عراق با هدف مقابله با تهدید در مقابل جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد و آنچه برای آن‌ها اهمیت دارد مقابله با قدرت ایران در خلیج فارس - گذرگاه انرژی جهان - است. چنانچه کمک‌های امریکا به نیروی دریایی عراق بار دیگر مورد اشاره قرار گیرد، چنین نتیجه گرفته می‌شود که ۱- امریکا برای مقابله با قدرت روزافزون ایران در منطقه خلیج فارس این اقدامات را انجام داده است و ۲- ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطق ساحلی عراق ناظر به نفوذ هرچه بیشتر در این ساختارها بوده تا بتواند خطر احتمالی ایران را دفع کرده و بر روند امنیتی مناطق مذکور اشراف اطلاعاتی لازم را داشته باشد.

نقش امریکا در حمایت از پلیس عراق

ایالات متحده با مشکلات مشابهی در حمایت از نیروی پلیس عراق مواجه است. در اول اکتبر سال ۲۰۱۱ میلادی اداره دولتی مبارزه با مواد مخدر بین‌المللی و امور اجرای قانون «INL» برنامه کمک به پلیس عراق را آغاز کرد. این تلاش‌ها نسبت به دوره پیش از آن کاهش داشته و از ۳۵۰ مشاور به ۱۱۵ مشاور کاهش یافته است. از سال ۲۰۰۳، ایالات متحده به طور تقریبی ۸ میلیارد دلار برای آموزش، تکمیل کادر و تجهیز نیروهای پلیس عراق هزینه شده و اقدامات پیش رویه ویژه بر توسعه هر چه بهتر خطوط ارتباطی میان وزارت کشور و سفارت امریکا متمرکز است. اداره بازرسی ویژه کل در امور بازسازی عراق در اکتبر سال ۲۰۱۱ گزارش داد: که یکی از مشکلات موجود عدم دسترسی دولت به یک ارزیابی مطمئن از ظرفیت‌های نیروی پلیس خود بوده و هنوز طرحی در مورد اینکه پلیس چگونه باید فعالیت کند؟ و درآمدها و هزینه‌های آن چقدر است؟ پیشنهاد نکرده و تنها ۱۲ درصد از طرح‌های جاری با کمک مستقیم پلیس انجام می‌شود و دولت ملزم به انجام تعهدات خود به برنامه‌های پلیس بدون در نظر گرفتن تعهدات مالی پایبند باشد (Mausner & Others, 2012: 14).

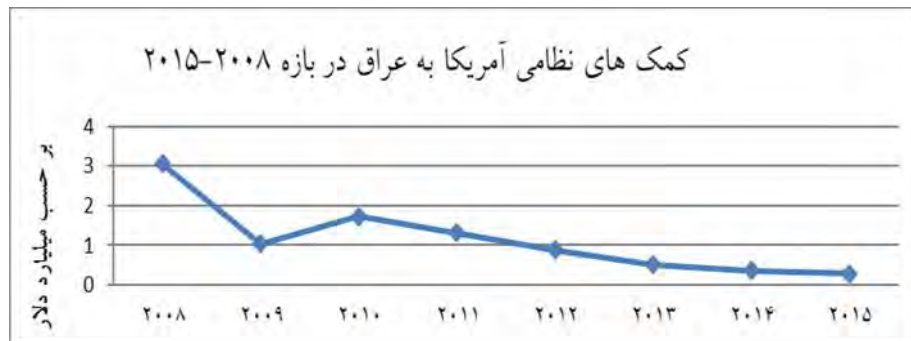
از سوی دیگر وزارت امور خارجه، برنامه توسعه پلیس «PDP» را در اول اکتبر ۲۰۱۱، با ۱۰۰ مربی و مشاور ارشد از نهادهای دولتی و مدنی آغاز نماید. این برنامه شامل: همکاری مستقیم با مقامات ارشد وزارت کشور عراق به منظور افزایش ظرفیت‌های مختلف از جنبه‌های قانونی گرفته تا اختیارات آیین‌نامه‌ای انجام می‌شود.

به‌هرحال ایجاد نظارت، مدیریت و شفافیت قابل‌اعتماد، هدف اولیه این برنامه است. مشاوران امریکایی، ارزیابی‌هایی را از مبنای ظرفیت‌های عراقی‌ها در دسامبر ۲۰۱۱ انجام دادند. بخشی از این بازنگری‌ها، برای بررسی و تحلیل به کارشناسان داده شد که منجر به یک گزارش نهایی گردید که نتیجه آن می‌تواند برای تعریف و اجرای کمک‌های بیشتر مورد استفاده قرار گیرد (Mausner & Others, 2012: 15).

طرح آموزش و تربیت نیروهای نظامی بین‌المللی: ایالات متحده آمریکا در دوره گذار روابط با عراق پس از جنگ، بیشترین کمک‌های امنیتی خود را به طرح مالی نیروهای خارجی داد. در راستای عادی‌سازی روابط دوجانبه، این طرح یک ابزار مهم است که بدین طریق آمریکا به همراه شرکا و متحدان خود در زمینه تهیه مواد و تسلیحات و خدمات دفاعی سرمایه‌گذاری می‌کند. در سال ۲۰۱۳، عراق بزرگ‌ترین دریافت‌کننده طرح مالی نظامی بود و حدود چهار میلیارد و هفت میلیون دلار دریافتی داشته است. میزان درخواست بودجه عراق برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ از طرح مالی نظامی، خارجی کاهش یافته و برای مجموع این دو سال تنها پنج میلیارد و پنج میلیون دلار سرمایه درخواست کرده بود.

در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده صندوق‌هایی را از طریق طرح آموزش و تربیت نیروهای نظامی بین‌المللی ایجاد کرد که یکی از صندوق‌های مالی قدیمی است و به‌وسیله آن رهبران را آموزش می‌داد و قابلیت همکاری یگان‌ها را بهبود می‌بخشید و روابط سرویس‌های امنیتی خارجی را وسعت می‌بخشید. از سال ۲۰۰۹، دولت اوپاما به‌طور سالیانه و کم‌وبیش پایدار، حدود ۲ میلیارد دلار به این صندوق اختصاص داده است (Mausner & Others, 2012: 17).

نمودار زیر بیانگر میزان کمک‌های نظامی آمریکا به عراق در فاصله سال‌های (۲۰۰۸-۲۰۱۵) است.



نمودار شماره ۱- کمک‌های نظامی آمریکا به عراق در بازه (۲۰۰۸-۲۰۱۵)
(Iraq Security Forces Fund, 2014)

نقش شرکت‌های خصوصی امنیتی امریکایی در عراق

از آغاز قرن ۱۳ میلادی یعنی زمانی که دزدی دریایی برای اولین بار انجام شد، دولت‌ها اجازه استفاده از نیروهای امنیتی خصوصی را دادند. ارتش‌های بزرگ خصوصی در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی در همه‌جا یافت می‌شدند و در قرن ۱۸، ارتش‌های مزدور اموری معمولی شدند (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴).

شرکت‌های امنیتی خصوصی برای تقویت و سود رسانی صنعت مورد ادعا، نیازمند بی‌ثباتی و ناامنی در مناطق مختلف جهان هستند؛ لذا ماهیت تشکیل این شرکت‌ها با شعارها و برنامه‌های صلح‌طلبانه آن‌ها به هیچ‌وجه سازگار نیست، به هر حال تقویت صلح و آرامش به معنی پایان کار این شرکت‌هاست. اظهارات مقتدی صدر - از مخالفین سرسخت اشغالگری آمریکا- در خصوص این شرکت‌ها جای تأمل دارد. وی مدعی می‌شود که نیروهای شرکت‌های امنیتی خصوصی بیشتر از جانیان و اشرار امریکایی بازداشت شده بودند که هم‌اینک از زندان آزاد و به عراق اعزام شده‌اند (آیتی، ۱۳۸۶: ۴۹). در سایه سیاست‌های خصوصی‌سازی کاخ سفید در دوره حکومت بوش، ما شاهد حضور ابر شرکت‌های خصوصی قدرتمند امنیتی و بانفوذی نظیر بلک واتر و هالیبرتون در عراق هستیم (Scahill, 2008: 14).

زمانی که ایالات متحده، ارتش عراق را در سال ۲۰۰۳ شکست داد از هر ده نفری که از ارتش آمریکا در عرصه میدانی نبرد حضور داشت یک نفر توسط شرکت‌های ارائه خدمات امنیتی و نظامی به استخدام درآمده بود. در پی تضعیف نیروی رزمی آمریکا بعد از سقوط صدام که در پی وضعیت آشوب‌زده آن دوره تشکیل شده بود، ارتشی از کارکنان نیروهای خصوصی امنیتی به عراق گسیل

شدند تا نیروی پلیس عراق، ارتش و نیروهای خصوصی امنیتی عراق را به منظور حفاظت از تأسیسات و امکانات نفتی عراق و پشتیبانی از خارجی‌هایی که در کشور کار می‌کردند آموزش دهند و نیروهای مستقر در زندان‌های نظامی را تقویت نمایند. نیروهای پلیس بازنشسته از کشورهای گوناگونی همچون فیجی؛ فلسطین اشغالی؛ نپال؛ افریقای جنوبی؛ السالوادور؛ انگلیس و آمریکا توسط چندین شرکت ارائه خدمات امنیتی و نظامی به کار گرفته شدند. گزارش اداره بودجه کنگره در سال ۲۰۰۸ نشان داد: تعداد پیمانکارانی که برای ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ در عراق کار می‌کرده‌اند حداقل ۱۹۰۰۰۰ نفر بوده است یعنی بیش از تعداد سربازان آمریکایی در عراق. همچنین این گزارش آورده است که تعداد پیمانکاران امنیتی خصوصی به نسبت تعداد سربازان حداقل ۲/۵ برابر بوده است و به نسبت بیشتر از هر جنگ دیگری بوده است. تعداد پیمانکاران امنیتی در عراق به تدریج کاهش یافت و تقریبی به عدد ۱۲۰۰۰۰ نفر در ژوئن ۲۰۰۹ رسید (Avant & Sigelman, 2010: 21).

مقامات آمریکایی باهدف کمک به برقراری امنیت در عراق و حفاظت از کارکنان خود در این کشور با شرکت‌های امنیتی قراردادهایی را منعقد کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین شرکت‌های فعال در عراق *بلک واتر* است. این شرکت با در اختیار داشتن ۲۱ هزار نیروی نظامی که امکان استفاده از آن‌ها در اقصی نقاط جهان است؛ حضور پررنگ و پرحاشیه‌ای را در عراق دارد. بررسی فعالیت‌های این شرکت در امور دفاعی و نیز استخدام مأموران بازنشسته سازمان سیا بیانگر آن است که این شرکت به دنبال ارائه خدماتی همچون سیا است (Scahill, 2008: 14) و به‌عنوان بازوی امنیتی و مداخله‌گر در حوزه دفاعی و امنیتی آمریکا در عراق مورد استفاده قرار می‌گیرد. حسن این شرکت‌ها برای کاخ سفید این است که آن‌ها در پوششی صلح‌طلبانه، کلیدی‌ترین و مهم‌ترین نقاط بحران را در عراق تحت کنترل و نظارت خود دارند. به‌عنوان مثال: زندان ابوغریب محل کنترل جنگجویانی است که در صورت رهایی حتی می‌تواند خارج از عراق منافع آمریکا را هدف قرار دهند. فرودگاه بین‌المللی بغداد که محل تردد بسیاری از مقامات و دیپلمات‌های کشورهای مختلف جهان و همچنین انتقال بسته‌های دیپلماتیک اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده کشورهاست بی‌شک، از سوی شرکت‌های خصوصی امنیتی مورد بازرسی و فیلم‌برداری قرار می‌گیرد.

نقش شرکت امنیتی بلک واتر در ناامنی‌های عراق

شاید هیچ چیزی بهتر از جنگ عراق نقش روزافزون شرکت‌هایی مانند *بلک واتر* را در

درگیری‌های نظامی نشان ندهد؛ شرکت‌های نظامی خصوصی در همه جنبه‌های لشکرکشی نظامی امریکا به عراق، از تأمین مکان و غذا برای سربازان تا تعمیر و نگهداری بمب‌افکن‌های «B-2» نقشی فعال ایفا می‌کردند (Neil, 2007: 27).

مشکل اصلی در زمینه فعالیت شرکت‌هایی چون بلک واتر، خلأ قانونی است که باعث شده شرکت‌هایی چون بلک واتر به‌رغم قدرت بی‌حدومرزشان، به هیچ نهاد و مرجعی در سطح ملی و بین‌المللی پاسخگو نباشد. به همین خاطر درحالی که بسیاری از این شرکت‌های نظامی خدمات خود را به رژیم‌های دیکتاتور، گروه‌های شورشی و کارتل‌های مواد مخدر عرضه می‌کنند، هیچ راهی برای پیگیری تخلفات آن‌ها وجود ندارد (Scahill, 2007: 3).

از سال ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۰۷ کارکنان امنیتی بلک واتر در ۱۹۵ حادثه تیراندازی حضور داشته‌اند. این در حالی است که در ۱۶۳ حادثه از این ۱۹۵ حادثه کارکنان شرکت بلک واتر در ابتدا تیراندازی کردند. در حادثه فلوجه در ۳۱ مارس ۲۰۰۴، شبه‌نظامیان در عراق به یک خودروی حامل چهار مقاطعه کار نظامی خصوصی امریکا از شرکت بلک واتر که در حال حمل مواد غذایی بود، حمله کردند. این چهار مقاطعه کار طی این حمله کشته شدند و شبه‌نظامیان اجساد این مقاطعه کاران را از روی پل رود فرات آویزان کردند. پس از این واقعه بود که ارتش امریکا برای گرفتن انتقام از این اقدام به فلوجه حمله کرد و در نبردی که ۵۳ روز ادامه یافت، ۱۳۰ تفنگدار دریایی امریکا و بیش از ۱۰۰۰ شبه‌نظامی کشته و صدها تن دیگر نیز زخمی شدند. همچنین این حمله به آوارگی هزاران عراقی ساکن شهر فلوجه و تخریب گسترده این شهر منجر شد. به دنبال این وقایع بود که شرکت بلک واتر مانع انجام تحقیقات کامل درباره دلایل وقوع حوادث فلوجه شد. (Richard, 2007: 16)

پیامدهای حضور شرکت‌های امنیتی در عراق: خصوصی‌سازی خدمات امنیتی، می‌تواند منجر به شکاف‌های متعدد در بین جمعیت و مناطق حمایت‌شده شود. خصوصی‌سازی امنیت، در مقایسه با سایر شکل‌های دیگر آن پتانسیل بیشتری برای تکه‌تکه کردن جامعه جهانی دارد و تأثیر چندانی برای یکپارچه‌سازی جامعه جهانی بر جای نمی‌گذارد. فعالیت‌های وسیع شرکت‌های امنیت خصوصی امریکا در عراق تبعات مختلفی را برای عراق دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. یکی از اهدافی که از مشارکت این شرکت‌ها در عراق دنبال می‌شود، حملاتی است که به اماکن مقدس اسلامی در عراق (از جمله تخریب حرمین شریفین و نظایر آن‌ها) صورت می‌گیرد که امریکا سعی می‌کند از طریق این شرکت‌ها (با تابعیت‌های گوناگون) منسوب

کردن عملیات چند مذهبی و ضد اسلامی را از خود سلب کند.

۲. یکی دیگر از راهبردهای این شرکت‌ها کمک به نهضت‌های مخالف با دولت که براندازی آن‌ها مورد نظر آمریکا نیز است که نقش لجستیک؛ پشتیبانی و تدارکاتی نیروهای مخالف را نیز بازی می‌کنند.

۳. نقش لجستیک این شرکت در عراق فقط منحصر به تدارکات فیزیکی مختص جنگ نیست، هر مقوله‌ای که نیاز به حفاظت و حراست داشته باشد از نیروی انسانی گرفته تا تأسیسات اقتصادی را در برمی‌گیرد برای عراق مشکل‌ساز خواهد شد.

۴. تعلیم تروریست و عملیات تروریستی که توسط این شرکت‌های امنیتی صورت می‌پذیرد و به طور معمول اهداف بلندمدت و میان‌مدت را این آموزش‌ها دنبال می‌کنند از پیامدهای منفی برای عراق به دنبال دارد.

وجود شرکت‌های امنیتی همچون بلک واتر در عراق و فعالیت آن‌ها در این کشور نه تنها کمکی به بهبود وضعیت امنیتی این کشور نکرده است بلکه این شرکت‌ها به ابزار نفوذی تبدیل شده‌اند که فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی مختلفی را بر عهده دارند.

مبارزه با تروریسم

از تروریسم تعاریف مختلفی است. تروریسم اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافقی میان حکومت‌ها یا تحلیل‌گران دانشگاهی وجود ندارد، اما به نسبت به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به کار می‌رود تا بیشتر اقدامات گروه‌های خودساخته‌ی فرا دولتی با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند (طلوعی، ۱۳۷۷: ۳۵۶).

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم به مثابه‌ی گفتمان امنیتی غالب، نقش سامان‌دهنده‌ی سیاست خارجی و استراتژی امنیت ملی آمریکا را ایفا کرده است. با توجه به تحولات متعاقب ۱۱ سپتامبر مانند حمله به افغانستان و عراق، نقطه‌ی آغازین این استراتژی را می‌توان سخت‌افزارگرایی تلقی کرد. در این میان آمریکا با توسل به سازوکار مبارزه با خطر تروریسم، متخاصمین را به حمایت از تروریسم متهم می‌کند. در این چارچوب تفاوتی میان گروه‌های تروریستی و دولت‌های حامی آن‌ها وجود ندارد. این مسئله در مورد طالبان و دولت‌های ایران، سوریه و عراق در زمان صدام حسین مصداق می‌یابد (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۰: ۹۲) این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که تروریسم به ابزاری برای مداخلات نظامی - امنیتی آمریکا در منطقه تبدیل می‌شود. هرگاه ایالات متحده منافع خود را در معرض آسیب ببیند به

بهبودی وجود گروه‌های تروریستی یا دولت‌های حامی تروریسم علیه متخاصمین خود اقدام می‌کند. در این میان حمایت آمریکا از اسرائیل در مبارزه با گروه‌های جهادی همچون حزب‌الله لبنان و حماس به‌عنوان گروهک‌های تروریستی و نیز حمایت آن از گروه‌های مخالف نظام سوریه همچون ارتش آزاد به‌عنوان تروریسم دولتی قابل طرح است.

پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، ایالات متحده اقدامات نظامی - امنیتی خود را در عراق با توجیه مبارزه با تروریسم انجام داده است. از دیدگاه امریکایی‌ها از جمله گروه‌های تروریستی موجود در عراق: القاعده؛ گروه سنی انصارالاسلام؛ گروه‌های شیعی جیش‌المهدی؛ عصاب اهل‌الحق و کتائب حزب‌الله هستند که لازم است برای مقابله با آنها اقدام جدی صورت گیرد (Mausner & Others, 2012: 12). بر این اساس آمریکا با توجیه مبارزه با تروریسم، اقدام به مداخله در امور دفاعی و امنیتی عراق می‌کند که نمونه اخیر آن ایجاد ائتلاف بین‌المللی ضد داعش است. آمریکا با تشکیل این ائتلاف علاقه‌مند است که کنترل بخشی از ارتش‌های منطقه را که در کشورهای مختلف در عملیات ضد داعش با آنها همکاری کرده‌اند در اختیار بگیرد. این بخش، نیروهایی خواهند بود که تمایلات بیشتری به امریکایی‌ها خواهند داشت؛ روابط سازمان‌یافته‌تری با آنها پیدا خواهند کرد و حامی امریکایی‌ها خواهند بود. لذا در پذیرش فرماندهی و دستورات آمریکا به‌صورت روشن‌تری عمل خواهند کرد. باید توجه داشت که عملیات ضد داعش علاوه بر اهداف سیاسی که دارد، بخشی از اهداف منطقه‌ای آمریکا را نیز دنبال می‌کند. بدین گونه که بخش‌های کارآمدی از ارتش هر کشور اعم از نیروهای زمینی؛ دریایی و هوایی در اختیار امریکایی‌ها قرار می‌گیرد.

حضور مستشاران امریکایی در عربستان و بعضی کشورهای منطقه، این امکان را به آمریکا می‌دهد که بخشی از ارتش آنها را در اختیار بگیرد و از آنها به نفع خود استفاده کند اما در عراق خللی وجود دارد که آمریکا نتوانسته است نیروی قابل اعتمادی از درون حکومت شیعی عراق در اختیار خود بگیرد. لذا بر اساس راهبرد منطقه‌ای خود، درصددند که خلأهای نظامی خود را به‌وسیله اهرم‌های منطقه‌ای و داخلی تأمین نمایند. از سوی دیگر آمریکا به این نتیجه رسیده است که اگر نیرویی در منطقه شمال عراق و شمال سوریه داشته باشد، می‌تواند از این نیروها به نفع سیاست‌های عمده خود در حوزه نفت و انرژی؛ تأمین امنیت اسرائیل و مقابله با جبهه ضد صهیونیستی - جبهه مقاومت - بهره‌گیری. با توجه به این هدف مقامات امریکایی حمایت خود از تشکیل نیروی ۱۰۰ هزار نفری در استان‌های: الانبار؛ نینوا و صلاح‌الدین برای مقابله با داعش و حمایت از این مناطق پس از اخراج عناصر مسلح از آن را اعلام داشته‌اند.

اگر ارتش صدهزار نفری سنی در عراق، بر اساس زبان عربی و مذهب سنی تشکیل شود این ارتش نمی‌تواند نماینده کردها و شیعیان تلقی شود. تشکیل چنین ارتشی بیانگر نیات تجزیه طلبانه در عراق است. اگر منافع ملی عراق را در ایجاد ساختارهای جدید نظامی تصویر کنیم و آن را با یک ارتش سنی صدهزار نفره تحت تعلیم امریکا مقایسه کنیم درمی‌یابیم که این دو در تضاد با یکدیگر قرار دارند. این واقعیت بیانگر آن است که امریکایی‌ها در مسیری خلاف منافع ملی عراق گام برمی‌دارند و نه تنها به دنبال تأمین امنیت در این کشور نبوده‌اند بلکه زمینه‌های ناامنی را نیز فراهم می‌کنند؛ بنابراین به‌وضوح مشخص است که اقدامات امریکا در این زمینه جز با هدف نفوذ در عراق با تمسک به روش‌ها و ابزارهای مختلف صورت نمی‌پذیرد.

ارزیابی همکاری‌های نظامی - امنیتی عراق و امریکا

به‌طور کلی در ارزیابی میزان کارآمدی کمک‌های نظامی و امنیتی امریکا به عراق که عمده آن در قالب آموزش نیروهای نظامی و معاهدات تسلیحاتی صورت می‌گیرد. توجه به مناسبات سیاسی و تحولات منطقه جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) می‌تواند مؤثر باشد؛ چه اینکه تحولات داخلی عراق و نوع مناسبات این کشور با سایر کشورهای منطقه به گونه‌ای ترتیب یافته است که انتظار نمی‌رود ایالات متحده به دنبال تقویت نظامی و امنیتی عراق باشد. وجود حکومت شیعی در عراق؛ نزدیکی سیاسی عراق با جمهوری اسلامی ایران و توجه به مناسبات حکومت مرکزی با اهل سنت و اکراد و نقش عربستان سعودی در تحولات عراق عمده‌ترین دلایلی است که باعث می‌شود امریکا همکاری مثبت و مؤثری را با عراق در این حوزه صورت ندهد.

وجود حکومت شیعه در عراق

بر اساس قانون اساسی عراق رئیس‌جمهور این کشور از میان اکراد، نخست‌وزیر از میان شیعیان و رئیس مجلس از میان اهل سنت انتخاب می‌شود. با توجه به اختیاراتی که بر حسب قانون اساسی قوه مجریه به نخست‌وزیر کشور می‌دهد، هرگونه تقویت این قوه به تثبیت هر چه بیشتر جایگاه سیاسی شیعیان در عراق و نفوذ آن‌ها در منطقه کمک می‌کند. از این رو نمی‌توان انتظار داشت که در وضعیت کنونی که جمهوری اسلامی ایران و عراق مناسبات سیاسی و راهبردی نزدیکی با یکدیگر دارند، امریکا به

تقویت بنیه دفاعی و امنیتی که یکی از جدی‌ترین معضله‌های عراق محسوب می‌شود اقدام کند. چراکه نتیجه‌ی این امر موازنه قدرت را به نفع شیعیان و به ضرر سنی‌ها و اکراد تغییر می‌دهد که این موضوع از نظر راهبردی با منافع استکبار جهانی به رهبری آمریکا در تناقض است.

نزدیکی سیاسی عراق و جمهوری اسلامی ایران

نزدیکی سیاسی ایران و عراق، یکی دیگر از عواملی که باعث می‌شود آمریکا امنیت عراق را در چارچوب توافق‌نامه‌های امنیتی و راهبردی به طور جدی مورد توجه قرار ندهد و در رابطه با بسترسازی زیرساخت‌ها کوتاهی نماید، امریکا با درک وضعیت حساس کنونی در منطقه و مناسبات موجود میان بازیگران از ارائه هرگونه خدمات دفاعی و امنیتی به عراق دریغ می‌ورزد؛ چراکه اطمینان دارد در این صورت عراق تسلیحات و تجربیاتی را که از امریکا دریافت می‌کند در اختیار ایران قرار داده و از این طریق به سایر گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله لبنان و حماس نیز قرار خواهد گرفت.

نارضایتی عربستان و اهل سنت عراق

قرارگرفتن شیعیان عراق در کانون قدرت و نزدیکی راهبردی این کشور با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران موجب افزایش نفوذ در عراق و در منطقه می‌شود که این امر موجب نگرانی و دولت عربستان و ناخرسندی اهل تسنن در منطقه و عراق می‌شود؛ زیرا هرچه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه افزایش یابد و شیعیان عراق قدرت بگیرند به همان میزان از نفوذ و قدرت اهل سنت کاسته می‌شود.

نارضایتی کردهای اقلیم کردستان عراق

رقابت دیرینه اقلیم کردستان عراق با بخش مرکزی این کشور به زمان حاکمیت حزب بعث برمی‌گردد. پس از سقوط رژیم بعث در عراق کردهای این کشور با همان نگاه خودمختاری و استقلال‌طلبانه سابق به ساختار سیاسی عراق نگریسته و همواره به دنبال رقابت با بخش مرکزی می‌باشند. اقلیم کردستان با تشکیل ساختار نیمه‌مستقل سیاسی؛ اقتصادی و امنیتی، بخش مرکزی را همواره به چشم رقیب نگریسته و سایر

بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با لحاظ کردن این مسئله، از اکراد به‌عنوان اهرم فشاری بر حکومت مرکزی عراق بهره‌جسته‌اند. در این میان در نظر اکراد تقویت ساختارهای دفاعی و امنیتی بخش مرکزی عراق امری نامطلوب بوده لذا با آن مخالف می‌باشند.

بر این اساس ایالات متحده با درک این وضعیت و نیز نقش آفرینی و مخالفت عربستان سعودی و اهل سنت و نیز اکراد با تقویت توان دفاعی دولت مرکزی در عراق، هیچ تلاش جدی برای تقویت ارتش عراق صورت نمی‌دهد چراکه باوجود آنان هرگونه تلاش در این راستا به‌منزله تقویت جریان حاکمیتی که شیعیان در کانون آن قرار دارند بوده و از منظر سیاسی و منافع ملی آمریکا، این اقدام هیچ‌گونه توجیه منطقی ندارد.

از سوی دیگر کارنامه فعالیت شرکت‌های خصوصی امنیتی نیز در عراق گواه این است که حضور بی‌حد و حصر این شرکت‌ها نه تنها به ثبات امنیت در عراق کمک نکرده است بلکه خود یکی از عوامل ناامنی در این کشور محسوب می‌شود و به عبارت دقیق‌تر این شرکت‌ها بخشی از پازل نفوذ در ساختارهای نظامی - امنیتی عراق را تشکیل می‌دهند.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌شود که هدف اصلی آمریکا از کمک‌های نظامی به عراق در چارچوب نفوذ در ساختارهای نظامی این کشور صورت گرفته و فاقد تأثیر مطلوب و جدی بر تقویت توان نظامی - امنیتی عراق بوده است.

مدیریت آمریکا بر منابع سخت قدرت در عراق

در این بخش مبتنی بر توضیحات بیان شده و با در نظر گرفتن اهداف آمریکا در عراق به بررسی شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ سخت آمریکا در عراق اشاره می‌شود. بر این اساس می‌کوشد تا چگونگی مدیریت آمریکا بر منابع سخت قدرت و بهره‌گیری از آن‌ها در راستای تأمین اهداف و منافعش در عراق توضیح داده شود.

ابزارها و شیوه‌های نفوذ سخت آمریکا در عراق

مطالعه اقدامات مداخله‌آمیز آمریکا پیش از حمله به عراق و تلاش گسترده ایالات متحده برای کنار گذاشتن جریان اسلام‌گرا از صحنه قدرت در عراق پس از سقوط حزب بعث بیانگر آن است که آمریکا به دنبال روی کار آوردن جریانی همسو با منافع خود بوده است؛ اما در این میان همان‌گونه که *جان اتان استیل* می‌گوید: «بوش و بلر

نمی‌دانستند که اسلام‌گرایان در دهه آخر رژیم سکولار صدام، رشد می‌کردند و با سقوط صدام مصمم به تجدیدقوا بودند» (استیل، ۱۳۹۰: ۲۹) و این عدم شناخت جریان اسلام‌گرا باعث شد تا برخلاف تصورات و اهداف امریکا، ساختار سیاسی در عراق به نحوی طراحی و سازمان‌دهی شد که شیعیان را در کانون اصلی قدرت قرار داد. به نحوی که به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و همسویی و نزدیکی آنان با تفکر انقلاب اسلامی و جریان مقاومت مانع اصلی در تقویت توان نظامی - امنیتی عراق از سوی امریکا به شمار می‌رود. عدم دقت شناخت کافی امریکا از جامعه عراق و میزان قدرت اجتماعی جریان‌های مختلف در عراق برای ناکام ماندن ایالات متحده در عراق کفایت می‌کرد. در این برهه از زمان امریکا خود را با مشکلات گوناگونی دید که مجبور به امضای توافق‌نامه‌های امنیتی و راهبری با عراق شد.

اقدامات سخت امریکا در عراق که پس از خروج نیروهای امریکایی از این کشور نیز ادامه داشته بیانگر وجود چهار شیوه کلی برای نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی این کشور است. ایالات متحده امریکا برای پیشبرد اهداف خود در این بخش از ابزارهای متنوعی نیز بهره می‌گیرد. شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده امریکا برای نفوذ نظامی - امنیتی در عراق در نمودار شماره دو مشخص می‌شود.



نمودار شماره ۲- شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ سخت ایالات متحده در عراق

در ادامه به توضیح هر یک از شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ سخت ایالات متحده در عراق می‌پردازیم.

تجهیز تسلیحاتی و آموزش نیروهای مسلح؛

وزارت دفاع (گروه‌های هدف: نیروی هوایی، نیروی دریایی، نیروی انتظامی عراق)

همان‌گونه که در نمودار شماره دو مشخص است، یکی از روش‌های معمول ایالات متحده برای نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی عراق تجهیز تسلیحاتی و آموزش نیروهای مسلح این کشور است. در این روش که توسط وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) صورت می‌گیرد، آموزش نیروهای هوایی؛ دریایی و انتظامی عراق در دستور کار است. با ارائه آموزش‌های آمریکا به نیروهای دفاعی عراق شاهد شکل‌گیری سپر دفاعی قدرتمند عراق در برابر تهدیدات امنیتی هستیم اما حوادث اخیر عراق و نیز ادامه یافتن حملات تروریستی در این کشور ثابت کرد که این آموزش‌ها بی‌تأثیر است. علاوه بر آموزش نیروهای عراقی، در چارچوب توافق‌نامه امنیتی بغداد - واشنگتن، ایالات متحده متعهد به فروش تسلیحات نظامی مورد نیاز عراق بود که این تسلیحات در سطح ضعیف و به‌صورت ناقص در اختیار قوای امنیتی و نظامی عراق بود؛ بنابراین هدف آمریکا از تجهیز و آموزش نیروهای عراقی، تقویت قوای امنیتی و دفاعی این کشور در برابر تهدیدات نبوده و به سيطرة درآوردن اطلاعات کمی و کیفی نیروهای عراقی را دنبال می‌کند.

تجهیز تسلیحاتی و آموزش مخالفین حکومت مرکزی

وزارت دفاع (گروه هدف: کردها و اهل سنت عراق)

روش دوم نفوذ در ساختار نظامی - امنیتی عراق؛ تجهیز تسلیحاتی و آموزش مخالفین حکومت مرکزی عراق توسط ایالات متحده است. در این روش آمریکا با بهره‌گیری از اختلافات قومی - مذهبی عراق و ضدیت جریان‌های کرد و اهل سنت با ساختار حاکمیتی این کشور سعی در تقویت جریان مخالف شیعیان عراق دارد. بر این اساس آمریکا با استفاده و مدیریت منابع قدرت سخت و نرم در حوزه‌ی منابع سخت اقدام به تجهیز و آموزش نیروهای کرد و اهل سنت عراق می‌کند. ایجاد قوای صحوات، پیش از خروج نیروهای آمریکایی از عراق و نیز تلاش برای ایجاد پایگاه نظامی در اقلیم کردستان و تشکیل ارتش صد هزار نفری در بخش‌های سنی‌نشین این کشور در همین چارچوب قرار دارد. تحولات اخیر عراق که با اشغال بخش‌هایی از آن توسط نیروهای تکفیری داعش صورت گرفت نشان می‌دهد که تسلیحات

امریکایی و نفوذ نظامی-امنیتی امریکا در تقویت نیروهای داعش مؤثر بوده است. اطلاعات موجود حاکی از آن است که پیروزی‌های اولیه این جریان تکفیری در عراق مرهون حمایت‌های تسلیحاتی امریکا معارض حکومت عراق به‌ویژه اهل سنت این کشور است. اهل سنت عراق با جریان داعش هم‌راستا بوده و لذا با این رویکرد تأثیر کمک تسلیحاتی و آموزشی امریکا قابل بیان است؛ بنابراین همان‌گونه که ذکر شد یکی از روش‌های امریکا برای اثرگذاری در معادلات عراق تجهیز تسلیحاتی و آموزشی نیروهای معارض حکومت شیعی عراق است.

مساعده مالی برای بازسازی ارتش؛ صندوق امداد و بازسازی عراق (IRRF)؛ صندوق نیروهای امنیتی عراق (ISFF)؛ طرح آموزش و تربیت نیروهای نظامی بین‌المللی (IMET)؛ از دیگر روش‌های امریکا برای نفوذ در لایه‌های نظامی-امنیتی عراق ارائه کمک‌های مالی برای بازسازی ارتش این کشور است. این کمک‌ها که در چارچوب صندوق امداد و بازسازی عراق (IRRF)، صندوق نیروهای امنیتی عراق (ISFF) و طرح آموزش و تربیت نیروهای نظامی بین‌المللی (IMET) ارائه می‌شود، بیش از آنکه تقویت ارتش عراق را در برابر تهدیدات تروریستی و خارجی دنبال کند و به‌نوعی زیرساخت امنیتی و نظامی این کشور را بهبود بخشد صرف هزینه‌های ناکارآمد می‌شود؛ بنابراین ایالات متحده امریکا با پوشش مساعده‌های مالی برای بازسازی عراق نفوذ در ساختارهای امنیتی و نظامی این کشور را دنبال می‌کرده.

شرکت‌های خصوصی امنیتی (Black Water)؛ چالش آفرینی امنیتی با نقش آفرینی بازیگر خارجی چهارمین روش ایالات متحده برای نفوذ در ساختار نظامی-امنیتی عراق است. شرکت‌های امنیتی خصوصی همچون بلک واتر عمده‌ترین ابزار امریکا در پیشبرد این روش و تأمین نفوذ در این حوزه محسوب می‌شوند. امریکا از طریق شرکت‌های امنیتی خارجی در عراق به ظاهر تأمین امنیتی نیروهای خود در عراق را دنبال می‌کند اما گزارش‌های دقیق حاکی از آن است که این شرکت‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران فعال در عرصه امنیتی عراق، عامل ایجاد ناامنی‌اند. رفتار شرکت بلک واتر در بازجویی از شهروندان عراقی، جاسوسی‌های گسترده این شرکت برای وزارت دفاع و سازمان سیا، ایجاد ناامنی عناصر این شرکت در مارس سال ۲۰۰۴ در فلوجه بیانگر مواردی از نقش آفرینی این شرکت به‌عنوان ابزار نفوذ امریکا در عراق محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

ارائه‌ی آموزش‌های غیرکاربردی از یک سو و عدم تعهد امریکا به تحویل به موقع تسلیحات موردنیاز عراق که طی قراردادهای نظامی از امریکا خریداری کرده سبب شد تا ارتش عراق در مواجهه با هجوم نظامی جریان موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به کلی عقب‌نشینی کرده و عرصه را برای جولان تکفیری‌ها باز کند. با ادامه یافتن حملات داعش در شمال و غرب عراق، رسانه‌ها و کارشناسان امنیتی سؤالاتی را پیرامون نیروهای عراقی آموزش‌دیده توسط امریکا مطرح کردند. در ۲۵ ژانویه، هیئت تحریریه نیویورک تایمز، راهبرد ضد تروریسم دولت امریکا را با این استدلال مورد نقد قرار داد که: «گرچه تاکنون ایالات متحده سال‌ها وقت و پول حدود ۲۵ میلیارد دلار برای ساختن ارتش عراق؛ و دیگر واحدهای جداگانه صرف کرده، اما اکنون مورد تجاوز شورشیان اسلام‌گرا قرار می‌گیرد» (Iraq Security Forces Fund, 2014). ناکارآمدی آموزش‌های نظامی به ارتش و پلیس عراق و عدم پایبندی امریکا به قراردادهای تسلیحاتی خود که در چارچوب توافق‌نامه امنیتی صورت می‌گیرد بدان حد رسید که عراق را مجبور به استفاده از ظرفیت کشورهای همجوار جمهوری اسلامی ایران و روسیه کرد تا بتواند از تمامیت ارضی خود در مقابل تهاجم خارجی و دفع فتنه داخلی دفاع کند. آنچه به عنوان مساعدت‌های امریکا در حوزه نظامی - امنیتی عراق است، مفید نبوده و موجبات تقویت بنیه نظامی - امنیتی این کشور را فراهم نمی‌کند؛ بنابراین با در نظر گرفتن کارنامه همکاری‌های نظامی - امنیتی امریکا و عراق در مقایسه آن با تحولات اخیر عراق از حوزه نظامی - امنیتی می‌توان نتیجه گرفت: ایجاد صندوق‌های مالی گوناگون به بهانه ارائه کمک‌های مالی در جهت تقویت ساختار نظامی و دفاعی عراق؛ حمایت گسترده از معارضین حکومت مرکزی عراق؛ ایفای نقش شرکت‌های امنیتی بین‌المللی در این کشور و تلاش برای حضور پررنگ و گسترده آن‌ها در عراق و ارائه آموزش‌های ناکارآمد به نیروهای نظامی و انتظامی عراق جز با هدف نفوذ در ساختارهای نظامی - امنیتی این کشور و تلاش برای ممانعت از تقویت حوزه نظامی عراق نیست. وجود شیعیان طرفدار جبهه‌ی انقلاب اسلامی در رأس حکومت و نیروهای معارض دولت مرکزی (اهل سنت و اکراد) و مخالفان منطقه‌ای همچون عربستان که به عنوان پیاده نظام سیاست‌های امریکا در عراق‌اند؛ ایالات متحده برنامه تقویت توان نظامی - امنیتی عراق را در دستور کار نداشته و آنچه که بدین اسم مطرح می‌شود، پوششی برای نفوذ و رخنه در لایه‌های امنیتی این کشور است تا بتواند بیش از پیش منافع خود را در عراق و منطقه تأمین نماید.

منابع

الف) فارسی

- آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۹۰). *درآمدی بر قدرت هوشمند، مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- استیل، جانانان. (۱۳۹۰). *قدرت نرم در برابر قدرت سخت؛ (تحلیل شکست آمریکا در عراق)*، ترجمه محمدجواد هراتی، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- امیرعبداللهیان، حسین. (۱۳۸۸). «موافقت‌نامه امنیتی بغداد- واشنگتن: رفتارشناسی آمریکا در عراق جدید»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست سوم، بهار، شماره ۱.
- جمشیدی، محمد. (۱۳۸۳). «شرکت‌های امنیتی خصوصی»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال دوازدهم، تابستان، شماره ۴۷.
- رفیع، حسین؛ قریبی، سید محمدجواد. (۱۳۸۹). «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- سلیمانی پورلک، فاطمه. (۱۳۹۰). *قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شفیعی، نوذر؛ پهلوانی، مهرداد. (۱۳۹۰). «بررسی قدرت هوشمند هند»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۵، شماره ۲.
- طلوعی، محمود. (۱۳۷۷). *فرهنگ جامع سیاسی*، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- عبدالله، عبدالمطلب؛ اسماعیلی، مصطفی. (۱۳۹۰). «از هژمونی تا قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۴.
- محمدی، مصطفی. (۱۳۹۱). «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ایرانی- اسلامی»، *مجله اطلاعات راهبردی (دوماهنامه)*، سال دهم، آذر و دی، شماره ۱۳.
- نائینی، علی محمد. (۱۳۹۱). *اصول و مبانی جنگ نرم*، تهران: نشر ساقی.
- نای، جوزف. (۱۳۸۲). «مزایای قدرت نرم»، *همشهری دیپلماتیک*، ۲۵ تیر، شماره ۵۶.
- هزاوه‌ای، سید مرتضی؛ باوریان، فریده. (۱۳۹۳). «واکاوی استراتژی مبارزاتی امام خمینی (ره) در فرایند انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال سوم، بهار، شماره ۱۰.

ب) انگلیسی

- Agreement Between the United States of America and the Republic of Iraq on the Withdrawal of United States Forces from Iraq and the Organization of Their Activities during Their Temporary Presence in Iraq.

- Baldwin, D, (2003), *Power and International Relations*, In W. Carlsnaes et al. eds. Handbook of International Relations, London: Sage.

- Claypool, Amanda, (08/01/2014). "Iraq Security Assistance Portfolio: Security Sector Training Programs", Retrieved From <http://www.securityassistance.org/blog/iraq-security-assistance-portfolio-security-sector-training-programs>.

- Deborah Avant & Lee Sigelman, (2010), *Private Security and Democracy: Lessons from the US in Iraq*, University of California, Irvine b George Washington University: Taylor & Francis Group, LLC.

- Feldmann, Linda (2003), "The Impact of Bush Linking 9/11 and Iraq", *Christian Science Monitor*.

- Lardner, Richard (2007), "Black Water Chief Defends Firm", the Associated Press, Retrieved From, <http://ap.google.com/article/aleqm5>.

- Mackay, Neil (2007). *Black Water Iraq: the Whores of War*. Retrieved From, <http://www.sundayherald.com/news/heraldnes/display.war.1724225.o.o.phq.2007>.

- Mausner, Adam & Khazai, Sam & Cordesman, Anthony H & Alsis, Peter & Loi, Charles (March 2012), "The Outcome of Invasion: US and Iranian Strategic Competition in Iraq", *a Report of the CSIS Burke Chair in Strategy*.

- Program Management and Sector Program Management. Retrieved From http://www.whitehouse.gov/sites/default/files/omb/legislative/2207_appx3.pdf.

- Report to Congress In accordance with the Department of Defense Supplemental Appropriations Act 2008, "Measuring Stability and Security in Iraq" (June 2010).

- Scahill, Jeremy (2008), *Blackwater: The Rise of the World's Most Powerful Mercenary Army*, United States: Nation Books.

- Scahill, Jeremy (28 September 2007). "Will Black Water Be Kicked out of Iraq after Bloodbath?" Retrieved From <http://www.alternet.org/>

waroniraq/63789/.

- Security Assistance Monitor (2014). *Iraq Security Forces Fund*. Retrieved From <http://www.securityassistance.org/content/iraq-security-forces-fund>.

- Security Assistance Monitor (2014). *Iraq Security Forces Fund*. Retrieved From http://www.securityassistance.org/data/country/military/country/2008/2015/is_all/Global.

- Security Assistance Monitor (2014). *Iraq Security Forces Fund*. Retrieved From http://www.securityassistance.org/middle-east-and-north-africa/data/program/military/Iraq/2008/2015/is_all/Middle%20East%20and%20North%20Africa.

- Strategic Framework Agreement for a Relationship of Friendship and Cooperation between the United States of America and the Republic of Iraq, (2008): United States Department of State.

- Strategic Framework Agreement for a Relationship of Friendship and Cooperation between the United States of America and the Republic of Iraq, (2008): United States Department of State.

